

## تلاش زنان از منظر خرد و کلان

آنچه در جامعه ما نسبت به مسائل زنان و رویکرد به آن مشهود است، وجود دو فرآیند متفاوت در این زمینه است: تلاش یکی در سطح کلان و دیگری در سطح خرد می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان پیشرفت‌های روزمره در مسائل زنان را در بطن حرکت‌های فردی و جمعی و با روندی همگام با دیگر تحولات جامعه از موضوعاتی در سطح خرد حوزه زنان به شمار آورد، حال آنکه تحولات و تغییرات عمده‌ای که در این حوزه‌ها رخ می‌نماید و بر زمینه حقوقی و تحولات قانونی اثر می‌گذارد را می‌توان در سطح کلان به حساب آورد.

درواقع خواست‌هایی که به صورت پراکنده در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و هنری به شکل‌های خود انگیخته و اغلب بدون ساختاری منسجم صورت می‌گیرد، در زمره تحولاتی است که در سطح خرد جامعه در حوزه زنان واقع می‌شود. این حرکت خرد در چالش با تمامی محدودیت‌هایی ناشی از تبعیض‌های حقوقی، گام به گام و به صورت آزمون و خطا حرکتی به جلو دارد. به این معنا که هر گامی را که زنان در حیطه خصوصی یا عمومی با اتکاء به خود آگاهی و تجربیات روزمره و واقعی زندگی برمی‌دارند، گامی غیرقابل برگشت است و تأثیر خود را بر جامعه می‌گذارد. مصداق آن را در آثار

مختلف زنان چه در عرصه سینما، هنر، تالیف و حضور و فعالیت عینی آنان در دانشگاه‌های کشور می‌بینیم. البته تحولاتی که در سطح کلان می‌تواند بر جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف تأثیرگذار باشد، تغییرات قانونی‌ای است در قوانین مدنی که یا ناشی از فعالیت‌های مجامع قانونگذاری و با تغییر در نگرش و ارائه راه‌حل‌های فقهی است و یا ناشی از قوانین بین‌المللی. از منظر فقهی در زمینه مسائل زنان می‌توان من‌باب‌مثال به نظر دکتر کدیور اشاره کرد.<sup>۱</sup> او بر این عقیده است که مسائل زنان در امور ثانویه قرار می‌گیرد و در جامعه ما باید با آن ظریف برخورد کرد، چون مسئله‌ای است ریشه‌دار؛ در عین حال این مسائل در سه حوزه قابل بررسی است:

۱. برخی با بحث‌های کلامی و تغییر پیش‌فرض‌ها.
۲. برخی اصلاً در حوزه دین نیست، و
۳. برخی مسائل عرفی و بومی و مسائل فرادینی اند.

آنچه از این تقسیم‌بندی می‌توان دریافت اختصاص دو حوزه از سه حوزه به مسائل فرادینی از یک سو و از سوی دیگر احساس ضرورت تغییر در پیش‌فرض‌ها در حوزه فقهی است.

گذشته از حرکت‌های درونی در سطوح تقنینی و ارزش‌های عرفی، قوانینی نیز در سطح جهانی لازم‌الاجرا می‌باشند که سایه

خود را بر این حوزه می‌گسترانند. به عنوان نمونه، چالش اخیر کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، از جمله اهرم‌هایی بود که از بیرون از حوزه قانونگذاری داخلی برای مسائل کلان حوزه زنان مطرح شد و به مباحثی در زمینه زنان در جامعه ما دامن زد که شاید تا کنون مطرح نشده بود.

این کنوانسیون که در اردیبهشت سال جاری در دستور کار جلسه علنی مجلس قرار گرفت، و در میان نمایندگان به طرح بسیاری از نگرش‌های آنان به زن و مسائل آنان و از جمله به خاستگاه‌های فقهی مسائل زنان پرداخت از میان نقطه نظرات مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که براساس جمع آوری نظرات برخی آیات عظام آنان اساساً بر این اعتقادند که این لایحه اشکالات شرعی دارد.

با این وصف باید توجه داشت که مسائل زنان چه در حوزه‌های دینی - روشنفکری و یا غیر آن - و چه فرادینی، چه خرد و چه کلان دیگر تناسبی با مطالبات جامعه امروزی ما ندارد و در همه عرصه‌ها قوانین بشری و بین‌المللی را طلب می‌کند که تغییر قوانین را در بر دارد.

مواقفان پیوستن کشورمان به کنوانسیون نیز معتقدند که طرح، اشکالات حقوقی و شرعی دارد. اما آنان می‌گویند که پس از الحاق می‌توانیم حرف‌های مان را درباره آن بزنیم و الحاق به کنوانسیون فرصت حضور در عرصه بین‌المللی است یعنی فرصتی است که تریبون برای گفتن حرف‌هایمان خواهیم داشت. در سطح خرد در حوزه زنان طی ۲۵ سال بعد از انقلاب نمونه‌های بی‌شماری را از حضور فعال زنان و ارتقاء آنان می‌بینیم. در عرصه فرهنگ و تولید فرهنگی می‌توان به آمارهای جدید اشاره کرد: در دو دهه اخیر زنان ایرانی ۱۸۴۹۵ عنوان کتاب تولید کرده‌اند که این تعداد حدوداً یک هفتم کتاب‌هایی است که مردان تولید کرده‌اند. از ۲۰۴۲۱ زن اهل قلم ۴۳ درصد آن مؤلف هستند. در حوزه ترجمه ۳۶ درصد از ۲۴ اثر برگزیده ادبیات داستانی ۸ اثر داستان بلند و رمان به زنان نویسنده اختصاص داشته است.<sup>۱</sup> در عرصه اجتماعی و فعالیت‌های تشکلی یافته تعداد انجمن‌هایی را می‌توان شمرد که



مشارکت چشمگیر زنان را در بردارد و بیشتر دست اندرکاران این تشکل‌ها با همت زنان ایرانی گردانده می‌شود. در عرصه هنر نیز شعر و ادبیات حوزه‌هایی بوده‌اند که می‌توان کوشش تأثیر زنان بر آن طی دهه‌های اخیر را ستود.

از سوی دیگر کارگردانی چون رخشان بنی‌اعتماد، ته‌مینه میلانی، مرضیه مشکینی، سمیرا مخملباف و ... مطالبات و مبارزات زنان ایرانی را در عرصه بین‌المللی به نمایش گذاشته‌اند و جهان با نگاه دقیق‌تری متوجه مسئله زنان در ایران شد.

ردپای آثار زنان در همه عرصه‌ها وجود دارد و نشانگر مطالبات آنان در حد و اندازه‌های جهانی است. در سطح کلان اما در کارنامه جمهوری اسلامی نشان تضاد با مسئله زن چه حقوقی و مدنی بحثی است که از روز نخست مطرح بوده و بیشتر چنین به نظر می‌آید که زنان حقوقی را از دست داده‌اند، که به دست نیاورده‌اند. زنان در این سال‌ها بیشتر با حضور فعال و خلاق خود توانسته‌اند راه توسعه و مبارزه را پیموده و در زمینه‌هایی چون حق حضانت و منع ورود زنان به بعضی رشته‌های دانشگاهی یا برخی شغل‌ها موفق به گرفتن امتیازهایی از دولت شده‌اند. بدین معنا با حرکت خرد خود موجب تغییرات کلان شده‌اند.

با این تفصیل و هماهنگی با آنچه در بطن جامعه رخ می‌دهد، انتظار می‌رود که بیش از این‌ها در مورد مسائل کلان و تصمیم‌گیری و تغییرات اساسی در مجامع کشوری در خصوص مشکلات زنان انجام پذیرد.

جمیله میرزا زادگان شیرازی

یادداشت‌ها:

۱. «نواندیشی و مسائل زنان»، مصاحبه با دکتر محسن کدیور، مجله زنان شماره ۸۷، ص ۳۷
۲. فرزانه پارسا، «نقش زنان ایرانی در تولید کتاب»، زنان شماره ۸۸، صفحه ۴۶

خاورمیانه پس از جنگ عراق:

شماره ویژه ماهنامه اسپری با

همکاری فصلنامه گفتگو

همکاری فرهنگی میان ماهنامه فرانسوی زبان اسپری و فصلنامه گفتگو که با انتشار شماره ویژه گفتگو با عنوان «مسائل ایران، تجارب جهان» (شماره ۳۴، مهر ۸۱) آغاز شد و با چاپ سه مقاله در زمینه تجارب آشتی ملی در کشورهای مراکش، اسپانیا و بوروندی در شماره ۳۶ گفتگو که شماره ویژه‌ای بود درباره «دموکراسی و آشتی ملی»، (بهمین ۸۱) ادامه یافت، با انتشار شماره ماه ژوئیه مجله اسپری

گفتگو ۱۷۶